

Pathology of cultural invasion among Youth of Hamadan province

Safe-allah Safaei *

Received: 2019/06/20

Accepted: 2019/10/01

Cultural threats are known as threats to a country's structure. Accordingly, one of the ways of threatening a country's culture, especially about the cultural structure, is designed and implemented in the form of cultural Invasion. This study was done with the aim of pathology of cultural invasion at different levels of micro, medium, and macro among youth, Hamadan Province in 2017. The quantitative research was carried out via a survey method. The study population consisted of all youth in Hamedan Province (N= 10874). 284 students were selected through stratified random sampling by using the Cochran formula. The data were collected through a structured questionnaire. The content and face validity of the questionnaire was confirmed by an experts panel. Reliability was strengthened through pilot testing and calculating Cronbach's alpha. Empirical results of a structural equation modeling analysis revealed that cultural invasion had significant effects on the three levels of micro, medium, and macro of culture. Furthermore, the greatest effect was on the tendency towards fashion at the micro level, on adherence by young people to family principles at the medium level, and on lifestyle changes at macro level.

Keywords: Soft war, Cultural invasion, Youth, Cultural pathology, Hamedan province.

* Assistant Professor of Social Sciences at Payam Nour University, Tehran, I.R. Iran
(Corresponding author) msafaei@gmail.com

دو فصلنامه علمی دانش سیاسی، سال پانزدهم، شماره اول (پیاپی ۲۹)، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صص ۱۷۳-۱۹۴

آسیب‌شناسی تهاجم فرهنگی در بین جوانان استان همدان

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۰۹

صفی‌اله صفایی*

چکیده

تهدیدهای فرهنگی، به‌عنوان ابعاد تهدید علیه ساختار یک کشور شناخته شده است. این درحالی است که یکی از شیوه‌های تهدید علیه فرهنگ یک کشور به‌ویژه درباره ساختار ارزشی و فرهنگی کشور، در قالب تهاجم فرهنگی طراحی و اجرا می‌شود. پژوهش حاضر با هدف آسیب‌شناسی تهاجم فرهنگی در سطوح مختلف خرد، میانی و کلان در بین جوانان استان همدان، در سال ۱۳۹۶ انجام گردید. در این پژوهش کمی، برای جمع‌آوری داده‌ها، از فن پیمایش استفاده گردید. جامعه مورد بررسی، کلیه جوانان استان همدان بودند (N=۱۰۸۷۴). برای نمونه‌گیری جامعه پژوهش، از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی با انتساب متناسب استفاده شد. برای تعیین حجم نمونه نیز از فرمول کوکران استفاده گردید (N=۳۳۸۴). برای جمع‌آوری داده‌ها، از پرسشنامه محقق‌ساخته، استفاده گردید. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه توسط پانلی از متخصصان تأیید گردید. برای تأیید پایایی ابزار پژوهش نیز یک مطالعه راهنما و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ صورت پذیرفت. نتایج تجربی مدل‌سازی معادلات ساختاری مشخص کرد که تهاجم فرهنگی اثر معناداری بر هر سه سطح خرد، میانی و کلان فرهنگ داشته است. به‌علاوه، بیشترین تأثیر در سطح خرد بر گرایش به مد، در سطح میانی بر پابندی جوانان به اصول خانوادگی و در سطح کلان بر تغییر سبک زندگی بوده است.

واژگان کلیدی: جنگ نرم، تهاجم فرهنگی، جوانان، آسیب‌شناسی فرهنگی، استان همدان.

msafaei@gmail.com

* استادیار علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

بیان مسئله: حیات و بالندگی ملت‌ها در طول تاریخ با مبادی و هویت فرهنگی آنها در ارتباط مستقیم بوده و چنان است که عدم استقلال فرهنگی زمینه زوال و نابودی ملت‌ها را فراهم می‌سازد. به همین خاطر است که تعاملات فرهنگی موضوعی مهم و راهبردی است (ملکی و حاتمی، ۱۳۹۲) که پرسش از چیستی، اصول، الگوها و نحوه اجرایی سازی آن دغدغه بسیاری از تحلیل‌گران - و از آن جمله مسئله محوری نوشتار حاضر - را شکل می‌دهد.

اهمیت: تحلیل پژوهش‌های حاضر حکایت از آن دارد که عرصه روابط فرهنگی با آسیب‌های متعددی روبه‌رو است که شناسایی آنها می‌تواند به اصلاح و ارتقای سیاست‌های بومی توسعه کمک نماید. از این موضوع ذیل عنوان کلان «آسیب‌شناسی اجتماعی» یاد می‌شود (نک. گرامان، ۲۰۱۵) که دارای اهمیت راهبردی است.

ضرورت: ضعف مطالعات آسیب‌شنا سانه و عدم توجه به این گونه از مطالعات، منجر به زوال جایگاه بازیگر در ارتباط با دیگران در میدان مناسبات فرهنگی و تأثیرپذیری از تهاجم فرهنگی می‌گردد (نک. بلانچارد-ولو، ۲۰۱۲). بنابراین پژوهش حاضر دارای ضرورت کاربردی است.

اهداف: فراهم آوردن مقدمه علمی و ضروری برای طراحی سیاست‌های مدیریتی در حوزه «مقابله با تهاجم و استعمار فرهنگی» هدف اصلی این نوشتار است که در قالب شناخت و تحلیل آسیب‌های فرهنگی به انجام رسیده است. از آنجا که تهاجم فرهنگی به عنوان ابزار اصلی اعمال سیاست‌های مداخله‌جویانه استعمار نوین مطرح است (نک. عبدی، ۱۳۸۹؛ نائینی، ۱۳۹۱؛ داوری اردکانی و شاکری، ۱۳۸۸؛ سیمبر، ۱۳۸۸)، اهمیت و اولویت این هدف‌گذاری برای جامعه ما مشخص می‌گردد.

سؤال‌ها: پرسش اصلی مقاله حاضر عبارتست از: آسیب‌های ناشی از تهاجم فرهنگی در بین جوانان استان همدان چه تأثیراتی داشته است؟ در این ارتباط از چیستی و مولفه‌های تهاجم فرهنگی و همچنین شرایط و ویژگی‌های جوانی، به عنوان سوال‌های فرعی بحث شده است.

۱. پیشینه پژوهش

حجم بالایی از مطالعات در زمینه تهاجم فرهنگی صورت پذیرفته، که می‌توان آنها را از

منظر پژوهش حاضر به چهار گروه اصلی تقسیم کرد:

۱-۱. آثاری که به بیان چیستی، ویژگی‌ها و نتایج تهاجم فرهنگی اختصاص دارد.

در این آثار معمولاً هدف ارائه تصویری جامع از تهاجم فرهنگی، بیان ویژگی‌ها و تبیین نتایج ناشی از آن است. در این خصوص می‌توان به موارد زیر اشاره داشت: نتایج پژوهش سواری (۱۳۹۶) نشان داد. که آسیب‌های روانی حاصل از جنگ نرم روی دانشجویان عبارت‌اند از: گرایش به فضای مجازی و تبعیت از مدل‌های غربی (مرکب از ۹ آسیب) و بی‌نشاطی و کاهش خودباوری (مرکب از ۷ آسیب). جعفرزاده و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی «پیامدهای جنگ نرم بر هویت فرهنگی دانشجویان» پرداخته‌اند. نتایج نشان داده که حدود نیمی از دانشجویان مورد مطالعه بیشتر از حد متوسط در معرض جنگ نرم بوده‌اند و میزان آمادگی آن‌ها برای پذیرش مؤلفه‌های فرهنگی - تبلیغی دشمن به‌طور معناداری بیشتر است. همچنین نتایج حاکی از آن بود که در وضعیت کنونی، دانشجویان هنوز وابستگی و پایبندی مطلوبی به هویت فرهنگی ایرانی - اسلامی دارند. دولتی و ضامنی (۱۳۹۵) در تبیین رابطه هویت ملی و پاسخگویی به تهاجم فرهنگی دشمن به این نتیجه رسیدند که بین بعد جغرافیایی هویت ملی با پاسخ به تهاجم فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، بعد فرهنگی - تاریخی هویت ملی پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری نسبت به بعد سیاسی هویت ملی است. غلامرضایی (۱۳۹۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده که تهاجم فرهنگی، عمدتاً با ایجاد روحیه خودباختگی فرهنگی و ترویج افکار و اندیشه‌های غربی بین مردم جلوه می‌کند. زی‌شان (۲۰۱۵) در یک مطالعه کیفی به بررسی تهاجم فرهنگی و رسانه‌های جمعی بر جوانان پرداخته است. پژوهش در زمینه پویایی فرهنگی، بیان می‌دارد. سرعت رشد تغییر پیدا کرده و بر ارزش‌های متضاد در میان جوانان متمرکز شده است. محقق در تلاش است، به کشف عواملی دست پیدا کند که به‌طور گسترده در تغییر و تحول ارزش‌های بومی ملت و خصوصاً نسل جوان تاثیرگذارند. پژوهشگران پس از مطالعه اکتشافی با تجزیه و تحلیل داده‌ها به این نتیجه رسیدند که رسانه‌های خارجی به‌عنوان یک ابزار قدرتمند در ایجاد تغییرات محلی، ملی و بین‌المللی تأثیر قابل توجهی داشته‌اند و مسایل اجتماعی و فرهنگی را به چالش جدی کشانده‌اند.

۱-۲. آثاری که به مطالعات مدیریتی در تهاجم فرهنگی اختصاص دارند.

در این دسته از متون، پرسش اصلی متوجه نحوه مقابله با تهاجم فرهنگی، لوازم و مقتضیات آن است. از این منظر می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره داشت: شمولی و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان «بصیرت و تربیت اسلامی» اذعان می‌دارند که بصیرت‌افزایی در جامعه برای مقابله با جنگ نرم دشمن از جمله راهبردی است که می‌تواند نقشه راه تمام عوام و خواص باشد؛ زیرا در این عرصه برای فایق آمدن بر جنگ نرم و توجه به لایه‌های جنگ نرم دشمن، چون جریحه‌دار نمودن احساسات، عواطف، هنجارها، ارزش‌ها و باورهای مهم جامعه است که از طریق مدیریت برداراکات، احساسات و باورسازی در مقابل باورسوزی دشمن از الزامات و کارویژه بصیرت است. ظریف منش و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان «طراحی ساختار راهبردی مقابله با جنگ نرم در جمهوری اسلامی ایران» بیان داشتند، جنگ نرم، واقعیتی غیرقابل انکار است؛ چنانچه تدبیری برای مقابله با آن اندیشیده نشود، نه به معنای فقدان این واقعیت بلکه به معنای غفلت است و اگر برای مقابله با آن اقدام شود، ولی برای چنین اقدامی برنامه‌ریزی، هدایت و هماهنگی لازم وجود نداشته باشد، اقدام‌ها به نتیجه مطلوب منتهی نخواهد شد. همچنین، یافته‌ها بیانگر آن بود که مقابله با جنگ نرم، نیازمند حضور همه نهادها یا سازمان‌های مرتبط و کلیدی کشور در ساختاری راهبردی برای «ایجاد سامانه رصد صحنه جنگ نرم و مدیریت راهبردی آن» و «هدایت و هماهنگی عملیات مقابله با جنگ نرم» است. عصاره و حسینی بیدخت (۱۳۹۳) در پژوهش خود پیرامون واکاوی نقش توسعه مؤسسه‌های آموزش عالی در قبال فرهنگ و تهاجم فرهنگی، راهکارهایی در سه حوزه معرفی می‌نمایند که شامل شناخت اهداف، ابزار و شیوه‌های نفوذ فرهنگی، تدوین برنامه‌های استراتژیک فرهنگی، نقد و گسترش عناصر فرهنگی می‌باشد.

۱-۳. آثاری که به مطالعات موردی در خصوص تجارب کشورهای مختلف

پرداخته‌اند.

پژوهشگران در این آثار به بیان، تشریح و بررسی تجارب سایر کشورها در مواجهه با تهاجم فرهنگی همت گمارده‌اند. برای مثال می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: آوکیا

(۲۰۱۴) در پژوهش خود با عنوان «قدرت نرم فرهنگی چین: ابزاری برای امنیت ملی دوگانه» به بررسی قدرت نرم در چین پرداخته است. این پژوهش تلاش برای گرد هم آوردن اشکال مختلف از تجزیه و تحلیل در هر دو ادبیات بین‌المللی و چینی می‌باشد. این مطالعه نشان داد که دانشگاه چینی، قدرت نرم فرهنگی را به‌عنوان یک ابزار برای مقابله با چالش‌های نوسازی برای دولت چین می‌داند و جستجوی خود را به شیوه‌ای دوگانه با استفاده از هر دو عرصه داخلی و بین‌المللی گسترش می‌دهد. لی و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان «قدرت نرم ایران: از دیپلماسی فرهنگی تا جنگ نرم» به بررسی قدرت نرم در ایران پرداخته است. این مقاله نشان می‌دهد که چگونه انگیزه جمهوری اسلامی نه تنها باید بدون متعصب شدن باشد، بلکه در درون و یا جنبه‌های "سخت" سیاست خارجی خود، میل به دستیابی پروژه فرهنگی آن از طریق نرم‌تر می‌باشد. استفاده ایران از اهداف سیاست خارجی فرهنگی تعریف شده و درک اقدامات خود را از پتانسیل‌های قدرت نرم نشان می‌دهد. کالاهام (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان «هویت و امنیت در چین: قدرت نرم منفی رؤیای چین» تأکید دارد که جنبه‌های جذاب مثبت قدرت نرم به‌عنوان یک ابزار سیاست خارجی تأکید دارد. این مقاله استدلال می‌کند که بحث قدرت نرم جالب است چراکه مخالف این است که قدرت نرم مثبت به‌جای قدرت نرم منفی و به‌عنوان یک ابزار در سیاست داخلی بیش‌ازپیش در امور خارجی استفاده شده است.

۱-۴. آثاری که به نقش رسانه‌های نوین در تهاجم فرهنگی توجه نموده‌اند.

پژوهشگران در این آثار به بیان نقش و تأثیر رسانه‌های نوین در تهاجم فرهنگی پرداخته‌اند که در ادامه به برخی از این پژوهش‌ها اشاره شده است: نتایج پژوهش جلال‌پور و همکاران (۱۳۹۵) نشان‌دهنده آن است که رسانه‌های نوین برای رخنه در فرهنگ یک جامعه دارای خصوصیات برتر نسبت به دیگر ابزارها هستند؛ از این‌رو از طرف دولت‌های مختلف بستر مناسبی برای تغییر نگرش و فروپاشی از درون گروه‌ها و کشورهای مخالف قرار گرفته‌اند. در این میان رسانه‌های نوین را به‌عنوان ابزار جنگ نرم انتخاب کرده تا به اهداف خود از قبیل: مرجع‌سازی، جایگزینی فرهنگ دنیایی به جای

فرهنگ های ملی، رواج مادی‌گرایی، بازتعریف روابط اجتماعی و خواسته های شهروندان، و تردیدافکنی در کارایی نظام های سیاسی، برسد؛ به طوری که پیش بینی آینده جنگ نرم به عهده شبکه های اجتماعی و اداره کنندگان این شبکه ها، فرماندهان نظامی این جنگ ها و کشورها خواهند بود (سلطانی و عزت‌زاده، ۱۳۹۴). لطیفی مهر و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی نقش و جایگاه شبکه های اجتماعی در جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران پرداختند. آن‌ها بیان داشتند که نقش قدرت نرم در سیاست خارجی غرب به ویژه آمریکا با توجه به اینکه رئیس‌جمهور از کدام حزب (دموکرات یا جمهوری خواه) باشد و به کدام مکتب علاقه مند باشد، شرایط داخلی آمریکا و نظام بین‌الملل و موقعیت کشور هدف (کشوری که سیاست خارجی در مورد آن تدوین و اعمال می شود) متفاوت بوده است. ایران بعد از انقلاب اسلامی مورد خوبی برای اثبات این فرضیه است که نقش قدرت نرم در سیاست خارجی آمریکا در برابر آن در دوره های مختلف به طور قابل ملاحظه ای تغییر کرده است.

با تأمل در این آثار مشخص می‌گردد که بررسی های زمینه ای و مطالعات موردی در جامعه ایران کمتر صورت پذیرفته است. از سوی دیگر معمولاً سطح یا بُعد خاصی از تهاجم فرهنگی در این پژوهش ها مدنظر قرار گرفته است. پژوهش حاضر از حیث تمرکز بر استان همدان و همچنین طراحی از الگوی نظری (تحلیل سه سطحی تهاجم فرهنگی) متمایز از مطالعات پیشین ارزیابی می‌گردد.

۲. مبانی مفهومی و نظری

۲-۱. آسیب شناسی

آسیب شناسی در لغت به معنای «زخم، ضرب، صدمه، عیب و نقص، تعب و رنج آمده است و در اصطلاح و به معنای عام، عبارت است از: شناخت دردها، کاستی ها، مصیبت ها و آفت های فکری، جنسی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... مشابه آن که روح و روان و محیط زندگی افراد را فراگرفته است، و نیز راه یافتن به ریشه ها و عوامل متنوع آن (قاسمی، ۱۳۹۳، ص. ۵۰).

۲-۲. جنگ نرم

جنگ نرم شامل هرگونه اقدام روانی و تبلیغات رسانه‌ای است که جامعه هدف را نشانه می‌گیرد و بدون درگیری نظامی و گشوده شدن آتش، رقیب را به انفعال یا شکست وامی‌دارد (کولیر، ۲۰۰۳، ص. ۴۱۶). در این جنگ هدف تضعیف و یا استحاله اندیشه و تفکر جامعه هدف است تا حلقه‌های فکری و فرهنگی آن را سست کرده و با بمباران خبری و تبلیغاتی در نظام سیاسی — اجتماعی حاکم تزلزل و بی‌ثباتی تزریق کند (نک. فرگوسن، ۲۰۱۲). باید در نظر داشت که جنگ نرم یک پدیده چندبعدی و پیچیده است که بعد فرهنگی آن از مهم‌ترین ابعاد جنگ نرم می‌باشد. چراکه، تمام دستاوردهای مادی و معنوی بشر در طول تاریخ در قالب اصطلاح فرهنگ قابل‌تعبیر است (یانوس اوان، ۲۰۱۴). به همین خاطر می‌توان اظهار داشت جنگ نرم، جنگی جامعه‌محور است که مردم و گروه‌های اجتماعی، نقشی محوری در آن دارند (دارا و الفی، ۱۳۹۲، ص. ۱۹۸).

رهیافت‌های جنگ نرم در عرصه سیاسی بیشتر با هدف تغییر رفتار و در نهایت تغییر ساختار نظام کشور به‌کار گرفته می‌شود (رشیدپور و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۸۰).

رهیافت جنگ نرم در عرصه اجتماعی، هدف بیشتر عموم مردم جامعه است و طراحی به دنبال جهت‌دهی اجتماعی مردم صورت می‌گیرد. یارگیری از جامعه هدف (تبدیل بخشی از مردم به پیاده‌نظام و جاده صافکن دشمن) راهبرد اساسی این عرصه از جنگ نرم به شمار می‌آید (قادری و محبوبی، ۱۳۸۷؛ بیگدلو، ۱۳۹۱). همچنین، رهیافت جنگ نرم در عرصه اقتصادی را باید نتیجه دو روند تکامل نظری قدرت نرم و سخت و نیز نوع مواجهه ایالات متحده آمریکا با جمهوری اسلامی ایران دانست. نشانه‌های رهیافت جنگ نرم در عرصه فرهنگی را در به‌کارگیری وسیع صنایع فرهنگی و دستاوردهای فناورانه در خدمت ناتوی فرهنگی و تهاجم فرهنگی می‌توان دید (ابراهیمی و محمدی، ۱۳۹۱؛ بیگی، ۱۳۸۸). بروز جدی این نوع رویکرد در شبکه‌های اجتماعی جدید، شبکه‌های ماهواره‌ای، سبک زندگی، فیلم و سریال و ساخت سریال‌های طولانی با تبلیغ سبک زندگی غربی مشاهده می‌شود. جنگ نرم فرهنگی تلاش می‌کند با عادی‌سازی مفاهیم غیردینی و ترویج اباحه‌گری و حتی در مواردی ضد دینی، زمینه لازم را برای بهره‌برداری

های بلندمدت فراهم سازد که منجر به تهاجم فرهنگی خواهد شد. در این رهیافت لایه عمل‌کننده کلیت مردم جامعه است که مورد هجوم فرهنگی قرار گرفته است (مهاجرنیا، ۱۳۸۸، ص. ۴۹).

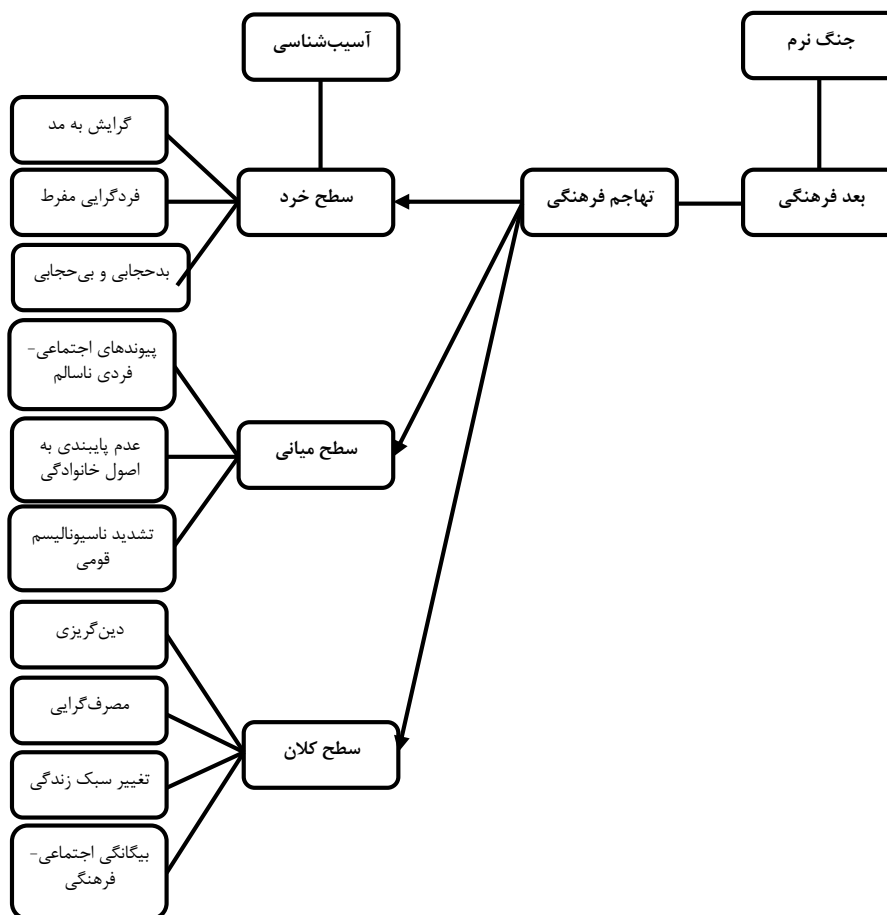
۳-۲. تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی شامل هرگونه اقدام روانی و تبلیغات رسانه‌ای است که جامعه هدف را نشانه می‌گیرد و بدون درگیری نظامی و گشوده شدن آتش، رقیب را به انفعال یا شکست وامی‌دارد (وانگ، ۲۰۱۳، ص. ۱۶۹). طبق نظریه‌های مرتبط با تهاجم فرهنگی می‌توان اذعان داشت که تهاجم فرهنگی در دو مرحله عمده صورت می‌پذیرد که در هر یک راه‌های خاصی مدنظر قرار می‌گیرد:

اول. تخلیه فرهنگ خودی: وقتی در فضایی خلأ ایجاد شود، نزدیک‌ترین نیروی موجود، آن خلأ را پر می‌کند. تخلیه فرهنگی اولین شرط لازم برای حضور فرهنگ بیگانه و مهاجم به شمار می‌رود (محمودمولایی کرمانی و همکاران، ۱۳۹۰، ص. ۵۴).
دوم. تثبیت فرهنگ بیگانه: در این مرحله شاهد ارایه جایگزین‌های فرهنگی هستیم که به دلیل وجود خلأ فرهنگی به صورت تحمیلی و یا تشویقی در جامعه هدف حاکم می‌شوند (وانگ، ۲۰۱۳، ص. ۱۷۰).

تهاجم فرهنگی در سه سطح خرد، میانی و کلان می‌تواند فرهنگ جامعه و جوانان را تحت تأثیر قرار دهد که الگوی سه سطحی نامیده می‌شود (نک. نمودار شماره ۱). در سطح خرد تهاجم فرهنگی گرایش‌ها و علائق فردی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (لطیفی مهر، ۱۳۹۳، ص. ۳۳). در سطح میانی پیوندهای اجتماعی، اصول حاکم بر مناسبات خانوادگی و یا هویت جمعی هدف است. در نتیجه فرد به‌مرور ضد هنجارها و ضد ارزش‌های موافق با گروه را از شبکه یاد می‌گیرد (سیو، ۲۰۱۱). تهاجم فرهنگی در سطح کلان روندها و سیاستگذاری‌ها ملاک است که می‌تواند به حاکمیت قانون و یا ساختاری معارض با اصول و مبانی اولیه منتهی گردد (نک. کیم، ۲۰۱۱). مجموع آثار ناشی از این سه سطح را می‌توان در سبک زندگی فردی و اجتماعی ملاحظه کرد (مهاجرنیا، ۱۳۸۸، ص. ۶۰).

نمودار شماره (۱). الگوی تحلیل پژوهش



۳. روش پژوهش

پژوهش موردنظر از حیث هدف، پژوهشی کاربردی و از حیث نحوه گردآوری داده‌ها، پژوهش توصیفی (غیرآزمایشی) از شاخه مطالعات میدانی به شمار می‌آید و از حیث ارتباط بین متغیرهای تحقیق، بر نوعی رابطه علی-همبستگی دلالت دارد که با استفاده از روش پیمایشی در سال ۱۳۹۶ انجام گرفته است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه جوانان ۱۸-۳۵ سال استان همدان بود که طبق سرشماری سال ۱۳۹۵، تعداد ۱۰۸۷۴

نفر برآورد گردید (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶). تعداد نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعیین و روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی با انتساب متناسب استفاده شده است (۳۸۴ نفر). تعداد نمونه‌ها برای شهرستان‌های اسدآباد ۲۷، بهار ۲۵، تویسرکان ۳۰، رزن ۲۵، فامنین ۱۰، ملایر ۷۷، نهاوند ۳۹، همدان ۱۲۷ و کبودرآهنگ ۲۴ نفر در نظر گرفته شد.

$$n = \frac{\frac{Z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{Z^2 pq}{d^2} - 1 \right)} = \frac{\frac{1.96^2 * 0.5 * 0.5}{0.05^2}}{1 + \frac{1}{10874} \left(\frac{1.96^2 * 0.5 * 0.5}{0.05^2} - 1 \right)} = 384$$

ابزار اندازه‌گیری در این تحقیق پرسشنامه محقق ساخته بود که از سه بخش ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، تهاجم فرهنگی و مؤلفه‌های آسیب‌شناسی در سه سطح خرد، میانی و کلان تشکیل شده بود. برای سنجش از طیف لیکرت پنج قسمتی (برای متغیرهای تهاجم فرهنگی از طیف کاملاً مخالف = ۱ تا کاملاً موافق = ۵ و برای مؤلفه‌های آسیب‌شناسی از طیف خیلی کم/هرگز = ۱ تا خیلی زیاد/همیشه = ۵) بهره گرفته شد.

روایی صوری و محتوایی ابزار تحقیق توسط جمعی از متخصصین دانشگاهی در این زمینه، مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. برای تأیید پایایی پرسشنامه یک مطالعه راهنما و تکمیل ۳۰ پرسشنامه از افراد خارج از جامعه آماری و محاسبه آلفای کرونباخ صورت پذیرفت. همچنین، در این پژوهش برای سنجش پایایی و روایی پرسشنامه از روش پایایی مرکب (CR) (Composite Reliability) و روایی تشخیصی با روش تعیین ضریب میانگین واریانس استخراج شده (AVE) (Average Variance Extracted) استفاده گردید. برای بررسی اعتبار یا روایی مدل لازم است میزان و سطح معناداری مسیرهای بین هر یک از متغیرهای نهفته با نشانگرهای مربوط به آن بررسی می‌شود که برای این منظور تحلیل عاملی تأییدی برای آزمون این فرضیه که آیا نشانگرهایی که برای معرفی سازه یا متغیرهای مکنون در نظر گرفته شده‌اند، واقعاً معرف آن‌ها هستند یا خیر و اینکه نشانگرهای انتخابی با چه دقتی معرف یا برازنده متغیر مکنون هستند، استفاده شد. اعتماد یا پایایی شاخص‌ها را نیز می‌توان از طریق مجذور همبستگی‌های چندگانه (R^2) بررسی کرد. در جدول شماره ۱ مقادیر آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق ذکر شده است. پس از جمع‌آوری داده‌ها، اطلاعات به دست آمده از تکمیل پرسشنامه‌ها، با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS²² و AMOS²³ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

جدول شماره (۱): مقادیر آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
تهاجم فرهنگی	۱۰	۰/۸۷
گرایش به مد	۱۴	۰/۸۱
بیگانگی اجتماعی - فرهنگی	۷	۰/۷۱
گرایش به فردگرایی مفرط	۵	۰/۷۶
گرایش به بی‌حجابی و بدحجابی	۱۳	۰/۷۵
گسترش روابط و پیوندهای فردی و اجتماعی غیر سالم	۶	۰/۷۴
پایبندی جوانان به اصول خانوادگی	۷	۰/۷۶
افزایش ناسیونالیسم قومی	۷	۰/۷۸
دین‌گریزی جوانان	۷	۰/۸۱
گرایش به مصرف‌گرایی	۲۶	۰/۸۱
سبک زندگی	۱۵	۰/۸۱

۴. یافته‌ها

۴-۱. یافته‌های توصیفی

یافته‌های حاصل از ویژگی‌های جمعیت شناختی نشان می‌دهد که ۴۷/۱ درصد جوانان استان همدان مرد و ۵۲/۹ درصد زن بودند. در بین جوانان استان، ۱۶/۹ درصد در طیف سنی ۱۸-۲۱ سال، ۱۸/۸ درصد ۲۲-۲۵ سال، ۲۴ درصد ۲۶-۲۹ سال، ۱۳/۳ درصد ۳۰-۳۲ سال و ۲۷/۱ درصد نیز ۳۳-۳۵ سال قرار داشتند. ۴۵ درصد از آزمودنی‌ها مجرد، ۴۷/۱ درصد متأهل، ۲/۹ درصد مطلقه، دو درصد متارکه و ۲/۴ درصد آن‌ها همسرشان فوت شده بود. همچنین، از لحاظ میزان تحصیلات، ۰/۳ درصد پاسخگویان بی‌سواد، یک درصد ابتدایی، ۵/۷ درصد راهنمایی، ۲۴/۵ درصد دیپلم، ۱۸/۵ درصد فوق‌دیپلم، ۳۷/۲ درصد لیسانس، ۱۱/۵ درصد فوق‌لیسانس و یک درصد دکتری بودند.

۴-۲. یافته‌های تحلیلی

الف. تخمین مدل اندازه‌گیری

در تخمین مدل اندازه‌گیری به بررسی مقدار CR و AVE پرداخته می‌شود. سازه‌هایی که مقدار CR آن‌ها بالاتر از ۰/۶ باشد، پایایی قابل قبولی دارند و هرچه این مقدار به یک نزدیک‌تر باشد، پایایی آن بیشتر است (رایکوف، ۱۹۹۸). همچنین، سازه‌هایی که مقدار AVE آن‌ها بیشتر از ۰/۵ باشد، روایی قابل قبولی دارند (ایگلسیاس، ۲۰۰۴). یافته‌ها نشان داد که مقدار CR همه سازه‌ها بیشتر از ۰/۶ بوده است. به بیان دیگر، ابزار پژوهش از پایایی و روایی قابل قبولی برخوردار بود.

از آنجاکه پارامترهای با مقادیر بزرگ‌تر از دو از نظر آماری معنادار هستند (بتلر و یوان، ۱۹۹۹)، نتایج به دست آمده بیانگر آن است که نشانگرهای مورد استفاده برای اندازه‌گیری صفت‌های مکنون مورد مطالعه این پژوهش با ساختار عاملی و زیربنای نظری پژوهش تطابق قابل قبولی دارند. همچنین، مقادیر استاندارد شده‌ای که کمتر از ۰/۳ بودند از مدل حذف گردیدند. مقادیر R^2 سهم واریانس هر شاخص را که به وسیله متغیر نهفته مربوط تبیین می‌شود، بیان می‌کند. جداول ۲ تا ۵ مقادیر ضرایب استاندارد شده و روایی و پایایی صفت‌های مکنون تهاجم فرهنگی و آسیب شناسی در سطوح خرد، میانی و کلان را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۲): ضرایب اندازه‌گیری و روایی و پایایی صفت‌های مکنون تهاجم فرهنگی

t-Value	CR	AVE	مقادیر استاندارد شده	متغیرهای آشکار
-			۰/۶۲۶	a1
۱۰/۸۳			۰/۶۵۰	a2
۱۰/۶۹			۰/۶۴۷	a3
۱۰/۵۶			۰/۶۳۷	a4
۱۱/۰۲			۰/۶۷۲	a5
۱۲/۵۱	۰/۸۹۹	۰/۴۷۷	۰/۷۹۴	a6
۱۲/۴۹			۰/۷۹۲	a7
۸/۲۶			۰/۴۷۷	a8
۱۲/۲۸			۰/۷۷۴	a9
۱۲/۳۲			۰/۷۷۸	a10

جدول شماره (۳): ضرایب اندازه‌گیری، روایی و پایایی صفت‌های مکنون آسیب‌شناسی در سطح خرد

t-Value	CR	AVE	مقادیر استاندارد شده	متغیرهای آشکار	متغیر پنهان
-			۰/۴۹۹	b14	
۹/۹۷۷			۰/۸۳۲	b13	
۹/۵۵۲			۰/۷۵۳	b12	
۹/۵۹۸			۰/۷۶۱	b11	
۸/۳۶۲			۰/۵۸۵	b10	
۸/۳۹۱			۰/۵۸۸	b9	
۸/۰۷۳	۰/۹۱۵	۰/۴۲۹	۰/۵۵۲	b8	گرایش به مد
۷/۶۸۲			۰/۵۱۰	b7	
۸/۲۱۵			۰/۵۶۸	b6	
۱۰/۰۰۴			۰/۸۴۵	b5	
۹/۸۴۱			۰/۸۰۵	b4	
۹/۸۴۴			۰/۸۰۶	b3	
۸/۲۸۵			۰/۵۷۶	b2	
۸/۲۹۸			۰/۵۷۷	b1	
-			۰/۵۶۲	d1	
۹/۸۶			۰/۷۵۹	d2	گرایش به فردگرایی
۹/۹۶	۰/۷۹۹	۰/۴۴۷	۰/۷۷۵	d3	مفرط
۹/۱۷			۰/۶۶۳	d4	
۸/۱۵			۰/۵۵۴	d5	
-			۰/۴۹۹	e3	
۷/۱۶			۰/۸۳۲	e4	
۸/۵۰	۰/۸۳۳	۰/۴۶۲	۰/۷۵۳	e5	گرایش به بی‌حجابی
۳۳/۱۹			۰/۷۶۱	e9	و بدحجابی
۶/۹۲			۰/۵۸۵	e10	
۸/۳۰			۰/۵۸۸	e11	

جدول شماره (۴): ضرایب اندازه‌گیری، روایی و پایایی صفت‌های مکنون آسیب‌شناسی در سطح میانی

t-Value	CR	AVE	مقادیر استاندارد شده	متغیرهای آشکار	متغیر پنهان
-			۰/۵۱۷	f6	گسترش روابط و پیوندهای
۷/۲۸	۰/۷۲۹	۰/۳۱۲	۰/۵۴۵	f5	فردی و اجتماعی غیر سالم

۱۸۶ دوفصلنامه علمی دانش سیاسی، سال پانزدهم، شماره اول (پیاپی ۳۹)، بهار و تابستان ۱۳۹۸

۷			۰/۵۱۲	f4	
۸/۱۱			۰/۶۶۳	f3	
۷/۴۰			۰/۵۵۹	f2	
۷/۲۷			۰/۵۴۳	f1	
-			۰/۶۸۶	g7	
۱۰/۹۱	۰/۷۲۱	۰/۳۹۷	۰/۶۹۷	g6	پایبندی جوانان به اصول
۱۰/۰۲			۰/۶۲۵	g5	خانوادگی
۸/۱۲			۰/۴۹۲	g4	
-	۰/۸۳۳	۰/۴۶۲	۰/۹۵۲	i7	افزایش ناسیونالیسم قومی
۲۰/۳۲			۰/۹۸۵	i3	

جدول شماره (۵): ضرایب اندازه‌گیری، روایی و پایایی صفت‌های مکنون آسیب‌شناسی در سطح کلان

t-Value	CR	AVE	مقادیر استانداردشده	متغیرهای آشکار	متغیر پنهان
-			۰/۶۶۱	m1	
۱۱/۳۴			۰/۶۶۸	m2	
۱۰/۹۲			۰/۶۳۹	m3	
۱۰/۴۵			۰/۶۰۸	m4	
۱۱			۰/۶۴۵	m5	
۱۱/۲۳			۰/۶۶	m6	
۹/۴۳	۰/۸۷۶	۰/۳	۰/۵۴۳	m7	سبک زندگی
۸/۱۸			۰/۴۶۵	m8	
۱۱/۰۹			۰/۶۵	m9	
۱۱/۰۴			۰/۶۴۷	m10	
۱۰/۷۳			۰/۶۲۷	m11	
۸/۶۷			۰/۴۹۵	m12	
۱۰/۰۳			۰/۵۸۱	m13	
۹/۷۳			۰/۵۶۱	m14	

۱۸۲ آسیب‌شناسی تهاجم فرهنگی در بین جوانان استان همدان

۱۰/۸۹		۰/۶۳۸	m15	
-		۰/۳۲	c1	
۴/۸۸		۰/۴۵۱	c2	
۴/۳۸		۰/۳۵۳	c3	
۵/۶۴	۰/۷۴۶	۰/۳۱۹	۰/۷۸۹	بیگانگی اجتماعی - فرهنگی
۵/۶۴		۰/۷۸۷	c5	
۵/۳۶		۰/۶۰۷	c6	
۴/۸۴		۰/۴۴	c7	
-		۰/۳۵۵	h7	
۵/۶۱		۰/۵۵۶	h5	
۵/۹۶		۰/۶۸۵	h4	
۵/۴۸	۰/۶۸۲	۰/۲۷۱	۰/۵۱۹	دین‌گریزی
۵/۰۹		۰/۴۳۵	h2	
۵/۴۷		۰/۵۱۷	h1	
-		۰/۴۷۳	k14	
۵/۹۶		۰/۳۷۴	k15	
۷/۶۹		۰/۵۴۹	k16	
۶/۶۶	۰/۷۸۵	۰/۳۸	۰/۴۳۶	گرایش به مصرف‌گرایی
۹/۶۳		۰/۹۴۵	k18	
۵/۱۰		۰/۳۰۶	k21	
۹/۵۸		۰/۹۰۵	k26	

ب. تخمین مدل ساختاری

پس از برآورد مدل اندازه‌گیری، دومین مرحله تخمین مدل ساختاری پژوهش است. در برآورد مدل ساختاری، به بررسی معناداری ضرایب مسیر فرض شده در مدل پژوهش، پرداخته می‌شود. قبل از محاسبه ضرایب مسیر، ابتدا شاخص‌های برازندگی چارچوب تحقیق بررسی گردید. برای پی بردن به اینکه تا چه حد مدل‌ها با داده‌های مورد استفاده سازگاری دارد، برازش کل مدل ارزیابی و بدین منظور، از شاخص‌های برازش مرتبط

استفاده گردید. این شاخص‌ها در جدول (۶) ارائه شده است. براین اساس، اکثر شاخص‌های گزارش شده برای چارچوب تحقیق دارای مقادیر قابل قبول به منظور برازش کلی مدل‌ها هستند. بنابراین، می‌توان بیان داشت که در حالت کلی، چارچوب مفهومی تحقیق با داده‌های مورد استفاده سازگاری دارند.

جدول شماره (۶): شاخص‌های برازندگی مدل ساختاری

Test	Recommended value	مقادیر
Likelihood ratio Chi-square (x2)	Insignificant x2 (p>0.05)	۰/۰۰۰
Normed chi-square (x2/df)	x2/df <5	۱/۶۶
Root Mean Square Residual	RMR<0.05	۰/۰۷۳
Root Mean Squared Error	RMSEA<0.08	۰/۰۶۲
Incremental Fit Index	IFI=Values close to 1	۰/۹۱
Comparative Fit Index	CFI>0.90	۰/۹۰۲

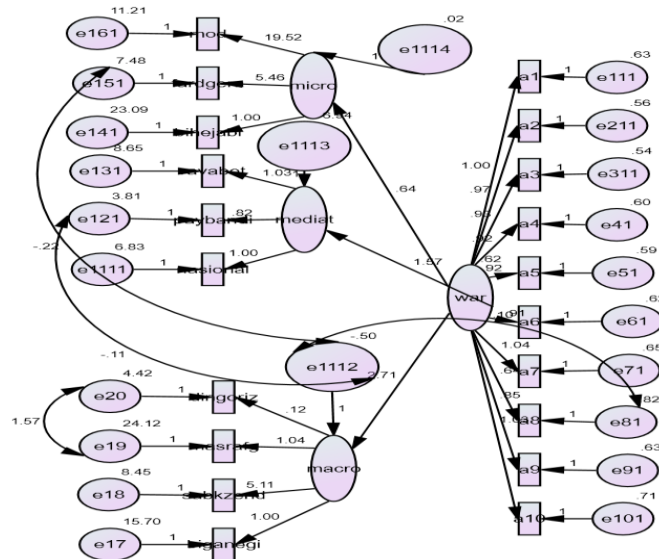
براساس مدل ساختاری پژوهش (نگاره شماره ۲)، تهاجم فرهنگی آسیب‌های مستقیمی در سه سطح خرد، میانی و کلان فرهنگ داشت. یافته‌ها نشان داد که تهاجم فرهنگی اثر مثبت و معناداری بر هر سه سطح خرد، میانی و کلان فرهنگ داشته است که ضریب تعیین آن‌ها به ترتیب $\beta = 0.95, P < 0.05$ ، $\beta = 0.42, P < 0.01$ و $\beta = 0.97, P < 0.05$ بوده است. سایر تحقیقات (صالح (Saleh)، ۲۰۱۲؛ پرایس (Price)، ۲۰۱۲؛ کارمن سیزماس (Carmen Cismas)، ۲۰۱۳؛ بصیری، ۱۳۹۱) نیز این یافته را تأیید می‌کنند که تهاجم فرهنگی در سطوح مختلف فرهنگ یک جامعه تأثیرگذار است. به طوری که ایشان معتقدند تهاجم فرهنگی، عمدتاً با ایجاد روحیه خودباختگی فرهنگی و ترویج افکار و اندیشه‌های غربی در بین سطوح مختلف فرهنگ جامعه نمایان می‌شود. همچنین، یافته‌ها مشخص کرد که بیشترین تأثیر تهاجم فرهنگی بر سطح کلان فرهنگ است؛ جایی که تهاجم فرهنگی بر دین و سبک زندگی تأثیر منفی می‌گذارد و باعث مصرف‌گرایی و بیگانگی اجتماعی- فرهنگی می‌شود. اما، به طور جزئی می‌توان بیان داشت که تهاجم فرهنگی در سطح خرد نیز تأثیرات معناداری داشته است. به طوری که بیشترین تأثیر در این سطح بر گرایش به مد می‌باشد ($\beta = 0.95, P < 0.05$). این یافته در راستای نتایج پژوهش‌های پیلتن و طالبی (۱۳۹۲)؛ دارابی و محمدی (۱۳۹۲)؛ دولتی و ضامنی

(۱۳۹۵) می‌باشد. ایشان در پژوهش خود بیان داشتند که تهاجم فرهنگی به مرور منجر به مدگرایی می‌گردد و گرایش به مد به گونه افراطی سقوط ارزش‌های اجتماعی، برجسب انحراف، شکاف بحران‌زای نسلی و ضررهای مادی فراوانی ایجاد می‌کند.

تجزیه و تحلیل بخش ساختاری مدل مشخص کرد که تهاجم فرهنگی در سطح میانی نیز بر هر سه مؤلفه گسترش روابط و پیوندهای فردی و اجتماعی غیرسالم، پایبندی جوانان به اصول خانوادگی و افزایش ناسیونالیسم قومی اثر مثبت و معناداری داشته است. این یافته در راستای پژوهش‌های یوروک و واتیکوتیس (۲۰۱۳)؛ سیو (۲۰۱۱) می‌باشد. همچنین، در بین مؤلفه‌های سطح میانی، پایبندی جوانان به اصول خانوادگی بیشترین تأثیر را از تهاجم فرهنگی دریافت می‌کند.

در نهایت، یافته‌ها مشخص کرد که تهاجم فرهنگی در بین مؤلفه‌های سطح کلان نیز اثرات معناداری داشته است. این در حالی است که بیشترین تأثیر تهاجم فرهنگی در سطح کلان، بر تغییر سبک زندگی بوده است. فتحی و مختارپور (۱۳۹۳)؛ فتحی و جعفری (۱۳۹۶)؛ فرقانی و مهاجری (۱۳۹۷) نیز نتیجه گرفتند که تهاجم فرهنگی از طریق رسانه‌ها، بیشترین تغییر را در سبک زندگی افراد خواهد داشت.

نگاره شماره (۲): مدل ساختاری پژوهش



نتیجه گیری

این اعتقاد وجود دارد که استیلای فرهنگی از طریق تهاجم فرهنگی در درازمدت بتوانند ساختارهای ارزشی جامعه را دگرگون کند. بر همین اساس نیاز است قبل از فراگیر شدن فرهنگ های بیگانه در جامعه مدنی و بروز تهاجم فرهنگی، آثار آن را مورد بررسی و کنکاش قرار داد. لذا، پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر تهاجم فرهنگی در قالب جنگ نرم در سطوح خرد، میانی و کلان فرهنگ انجام گردید. با توجه به یافته ها می توان نتیجه گرفت که تغییرات اساسی در مقیاس وسیع زمانی رخ می دهد که یک نسل جایگزین نسل مسن تر در جمعیت بزرگسال یک جامعه می شود که عواملی مانند مدرکدگرای، گرایش به فردگرایی مفرط، شیوع بی حجابی و بدحجابی و تحولات فرهنگی و اجتماعی دیگر از طریق ابزارهای جنگ نرم و تهاجم فرهنگی در کنار عدم پاسخگویی مناسب نظام فرهنگی و اجتماعی به این تحولات و تهاجمات از جمله عوامل موثره این پدیده در تأثیرپذیری جوانان و تغییر ارزش ها و هنجارهای اصیل دانست. به بیان دیگر، می توان استدلال کرد که تهاجم فرهنگی ابتدا در سطح خرد نفوذ می کند و

شاید خطرناک‌ترین سطح فرهنگی باشد؛ چراکه با شیوع تغییرات منفی فرهنگی، اثرات آن به سطح بالاتر انتقال پیدا می‌کند و در صورتی که جلوی آن گرفته نشود، مهار آن در سطوح میانی و کلان فرهنگ بسیار دشوار و در برخی موارد ناممکن خواهد بود. براساس تأثیر تهاجم فرهنگی در سطح میانی می‌توان نتیجه گرفت، زمانی که تهاجم فرهنگی در این سطح نفوذ نماید، الگوهای روابط اجتماعی در جامعه با رواج گزینه‌گرایی همراه می‌شود و به تدریج موجب گسیختگی روابط اجتماعی و پیوندهای جامعه و به دنبال آن تضعیف همبستگی ملی و ارتباط این جامعه با دولت می‌شود. در نتیجه چنین کارکردی، فراهم شدن زمینه روانی کشیده شدن افراد و به‌ویژه جوانان به سوی ناهنجاری‌های اجتماعی، روابط ناسالم از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی و یا واقعی، واقعیتی انکارناپذیر است که می‌توان از آن به گسترش روابط و پیوندهای فردی و اجتماعی غیرسالم و خانواده‌زدایی نام برد. همچنین، با توجه به یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که تأثیر تهاجم فرهنگی در سطح کلان، آخرین مرحله می‌باشد. در این سطح هنجارهای اجتماعی جنبه آمرانه و مطلوب خود را بر جوانان از دست می‌دهد و آن‌ها نمی‌توانند جهت رفتار خود را تعیین کنند. جوانان در چنین شرایطی احساس بی‌قدرتی، احساس بی‌هنجاری، احساس بی‌معنایی، انزوای اجتماعی، تنفر فرهنگی و تنفر از خود را بروز می‌دهند. تهاجم فرهنگی در این مرحله به‌گونه‌ای است که جوانان را بیش از آنکه متوجه خودشان کند تحت ارشادات دیگران درمی‌آورد. یعنی به جوانان همواره توصیه می‌شود که جهت رفتار و کرداری معقول و مطلوب به دیگران بنگرند، در چنین شرایطی است که جوانان ارتباط بنیادی را با خویش‌ستن گم کرده و دچار نوعی بحران هویت می‌گردند.

درنهایت، با توجه به یافته‌ها می‌توان پیشنهاد داد که از رهیافت رفتارسازی در جامعه استفاده نمود. به‌عنوان مثال، در زمینه مدگرایی می‌توان اینچنین بیان کرد که جهان پست مدرن، جهان نمادهاست و اگر بتوان نمادها را در جامعه عینی کرد تا حدود زیادی این مسئله حل شده است. لذا، باید بتوان بر اساس ارزش‌های جامعه مد تولید کرد. در سطح میانی نیز می‌توان توصیه کرد که با توجه به این‌که وجود شبکه روابط سالم به دلیل کنترلی که بر روی افراد اعمال می‌کند، مانع از درگیری افراد در روابط ناسالم می‌شود،

می‌توان با فراهم کردن زمینه فعالیت جوانان در گروه‌هایی با اهداف مثبت و در راستای اهداف دولت مانع از گرایش آن‌ها به سوی روابط ناسالم شد. یکی از مناسب‌ترین راه‌ها برای ترمیم شکاف نسل‌ها، نزدیک ساختن پندارها و نظرهای پدران و مادران با فرزندان است. به همین دلیل، پدران و مادران باید نیازمندی‌ها، شرایط، جایگاه سنی و دوران رشد فرزندان را به‌درستی درک کنند. در این صورت، رفتاری متناسب با شرایط فرزندان خود خواهند داشت. این اقدام به آگاهی‌های تربیتی از نیازمندی‌های اجتماعی فرزندان بستگی دارد. آموزش پدر و مادر برای درک واقع‌بینانه شرایط جدید، آگاهی از نیازمندی‌های فرزندان، رفتار متناسب با شرایط سنی آنان و همدلی و همراهی برای برآوردن نیازهای فرزندان شیوه عملی برای ترمیم شکاف نسل‌هاست. همچنین، کاهش انزوای ارزشی در نسل جوان و شناخت نیازها و اولویت‌های ارزشی آنان و پاسخ مقتضی به آن‌ها و تقویت حس اعتماد، اطمینان و همدلی در آنان و کاستن از ناسازگاری‌های احتمالی میان جوانان و نظام اجتماعی، یکی دیگر از راه‌کارهایی است که در سطح کلان تهاجم فرهنگی می‌توان ارایه داد.

کتابنامه

- ابراهیمی، شهروز و محمدی، مصطفی (۱۳۹۱). «فرهنگ، بستری برای جنگ نرم، مهندسی فرهنگی». نشریه علمی - تخصصی شورای عالی انقلاب، ۶(۶۵-۶۶)، صص. ۲۳-۱۲.
- بصیری، محمدعلی (۱۳۹۱). «جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران (روش‌ها، ابزارها و راه‌کارها)»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، ۲(۵)، صص. ۱۷۷-۱۵۱.
- بیگللو، مهدی (۱۳۹۱). دفاع ملی فرهنگ بنیاد و مقابله با جنگ نرم. دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، ۳(۸)، صص. ۹۸-۷۹.
- بیگی، مهدی (۱۳۸۸). قدرت نرم جمهوری اسلامی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- پیلتن، فخرالسادات و طالبی، حسین (۱۳۹۲). «بررسی عوامل اجتماعی گرایش به مد در بین نوجوانان (مورد مطالعه دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های شهر میناب)»، جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، ۴(۱۱)، صص. ۶۴-۴۹.
- جعفرزاده، محمد رحیم؛ حسینی، سید محمد و جاهد، حسینعلی (۱۳۹۳). «پیامدهای جنگ نرم بر هویت فرهنگی دانشجویان»، مطالعات فرهنگ - ارتباطات، ۱۵(۲۸)، صص. ۱۳۲-۱۵۳.
- جلال‌پور، شهره؛ پای‌فرد، کیانوش و فلاح، محمد (۱۳۹۵). واکاوی ساز و کارها و اهداف جنگ نرم.

- مطالعات قدرت نرم، ۶(۱۴)، ۱۲۹-۱۵۱.
- دارا، جلیل و الفی، محمد رضا (۱۳۹۲). «نقش مدیران فرهنگی دانشگاه‌ها در مقابله با جنگ نرم»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۲(۵)، صص. ۲۱۲-۱۹۵.
- دارابی، مسعود و محمدی، نسرين (۱۳۹۲). «مطالعه و بررسی نقش مقاومت در برابر کلیشه‌های جنسیتی بر گرایش زنان به مد»، مطالعات جامعه‌شناختی ایران، ۳(۱۱)، صص. ۲۴-۹.
- داوری اردکانی، رضا. و شاکری، سید رضا (۱۳۸۸). «امنیت سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره)»، دانش سیاسی، ۵(۲)، صص. ۸۶-۶۹.
- دولتی، حسن و ضامنی، فرشیده (۱۳۹۵). «تبیین رابطه هویت ملی و پاسخگویی به تهاجم فرهنگی دشمن»، مطالعات ملی، ۱۷(۴)، صص. ۱۸-۳.
- رشیدپور، علی؛ اسماعیلی، رضا و گلناری عباسی، محمد (۱۳۹۴). «تحلیل جنگ نرم اعتقادی، برمبنای آموزه‌های قرآن کریم»، دانش سیاسی، ۱۱(۲)، صص. ۹۴-۷۵.
- سلطانی، محمد و عزت‌زاده، مستوره (۱۳۹۴). «آینده جنگ نرم در جوامع اطلاعاتی»، رسانه‌های دیداری و شنیداری، ۱۱(۲۷)، صص. ۸۴-۵۷.
- سواری، کریم (۱۳۹۶). «آسیب‌های روانی جنگ نرم و تعیین برخی از منابع مقابله با آن»، مطالعات قدرت نرم، ۷(۱۶)، صص. ۱۸-۸.
- سیمبر، رضا (۱۳۸۸). «سیاست خارجی آمریکا و تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران»، دانش سیاسی، ۶(۲)، صص. ۱۳۸-۱۰۷.
- شمولی، همت‌اله؛ رشید حفظ آباد، موسی و یعقوبی، حسین. (۱۳۹۴). «بصیرت‌گرایی و بصیرت‌افزایی؛ راهبرد اساسی در مقابله با جنگ نرم». بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۲(۳۵)، صص. ۱۹۷-۱۴۷.
- ظریف منش، حسین؛ تولایی، محمد و مقیسه، رضا (۱۳۹۲). «طراحی ساختار راهبردی مقابله با جنگ نرم در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد دفاعی، ۱۱(۴۴)، صص. ۷۵-۴۳.
- عبدی، فریدون (۱۳۸۹). «بررسی میزان آگاهی و باور دانشجویان دانشگاه افسری امام علی (ع) نسبت به ماهیت و ابعاد جنگ نرم». فصلنامه مدیریت نظامی، ۴۱(۱۱)، صص. ۱۵۰-۱۳۵.
- عصاره، علیرضا و حسینی بیدخت، محسن (۱۳۹۳). «واکاوی نقش توسعه موسسات آموزش عالی در قبال فرهنگ و تهاجم فرهنگی». مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۶(۲)، صص. ۱۰۰-۹۱.
- غلامرضایی، علی اصغر (۱۳۹۴). «ویژگی هدفمند جنگ نرم؛ تهاجم بر ساختار فرهنگی»، فصلنامه رادیو تلویزیون، ۱۱(۲۷)، صص. ۱۰۰-۸۵.
- فتحی، سروش و مختارپور، مهدی (۱۳۹۳). «بررسی نقش و تأثیر رسانه‌های نوین تصویری در تغییر سبک زندگی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه علوم و تحقیقات تهران)». مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۶(۲)، صص. ۱۱۸-۱۰۱.
- فتحی، حبیب‌اله و جعفری، علی (۱۳۹۶). «رابطه مصرف رسانه‌ای با تغییر سبک زندگی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی)»، مطالعات رسانه‌های نوین، ۳(۹)، صص. ۲۵۵-۲۲۱.

- فرقانی، محمد مهدی و مهاجری، ربابه (۱۳۹۷). «رابطه بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییر در سبک زندگی جوانان». مطالعات رسانه‌های نوین، ۴(۱۳)، صص. ۲۹۲-۲۵۹.
- قادری، روح‌الله و محبوبی، قربانعلی (۱۳۸۷). جمهوری اسلامی ایران و براندازی نرم: الگوها و فرآیندها؛ گونه‌شناسی در عملیات، تهران: معاونت فرهنگی ستاد کل نیروهای مسلح.
- قاسمی، علی‌اصغر (۱۳۹۳). «آسیب‌شناسی شکاف‌های اجتماعی و ارایه راهبردهایی برای تقویت همبستگی ملی در ایران»، فصلنامه راهبرد، ۲۳(۷۱)، صص. ۷۷-۴۷.
- لطیفی مهر، مژگان؛ میر اسماعیلی، بی‌بی السادات و حسینی دانا، حمیدرضا (۱۳۹۳). «نقش و جایگاه شبکه‌های اجتماعی در جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات رسانه‌ای، ۹(۲۶)، صص. ۴۰-۲۹.
- محمود مولایی کرمانی، بتول؛ بکائی جوپاری، منصوره؛ محمود مولایی کرمانی، مهین و اسلامی، علی (۱۳۹۰). «تبیین جامعه‌شناختی مؤلفه‌های قدرت نرم اسلام». مطالعات قدرت نرم، ۲(۵)، صص. ۶۹-۵۱.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۶). نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵. تهران: دفتر ریاست، روابط عمومی و همکاری‌های بین‌الملل.
- ملکی، سعید و حاتمی، داوود (۱۳۹۲). «جنگ نرم و راهکارهای مقابله با آن با الهام از دیدگاه مقام معظم رهبری»، مهندسی فرهنگی، ۸(۷۶)، صص. ۸۲-۶۵.
- مهاجرنیا، محسن (۱۳۸۸). «معناکاوی تهاجم فرهنگی در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری»، کتاب نقد، ۱۱(۵۱-۵۰)، صص. ۶۶-۴۳.
- نائینی، علی محمد (۱۳۹۱). اصول و مبانی جنگ نرم، تهران: نشر ساقی.
- Aukia, J. (2014). The Cultural Soft Power of China: A Tool for Dualistic National Security. Qi hubei hانشou daxue xuebao (Journal of HUBEI Correspondence University JCIR: 2(1), 55-68
- Bentler, P. M., & Yuan, K. H. (1999). Structural Equation Modeling with Small Samples: Test Statistics. *Multivariate Behavior Research*, 34(2), 181-197. doi:10.1207/S15327906Mb340203
- Blanchard, J., and Fujia, L. (2012). Thinking Hard About Soft Power: A Review and Critique of the Literature on China and Soft Power. *Asian Perspective*, 36(4), 565-589.
- Callahan, W. A. (2015). Identity and Security in China: The Negative Soft Power of the China Dream. First published: 16 March 2015 Full publication history. 1111/1467-9256.12088 .
- Carmen Cismas, S. (2013). The impact of American culture on other cultures: Language and cultural identity. Department of Modern Languages and Communication The Polytechnic University of Bucharest 313 Splaiul Independentei, sector 6, 060042,
- Collier, M. J. (2003). Understanding Cultural Identities in Intercultural Communication: A Reader. N.p.: Wadsworth pp. 412-429.
- Ferguson, C. (2012). Soft Power as the New Norm: How the Chinese-Russian Strategic Partnership (Soft) Balances American Hegemony in an Era of Unipolarity". FIU Electronic Theses and Dissertations. 358 <http://digitalcommons.fiu.edu/etd/358>.
- Grauman, B. (2015). Cyber-Security: The Vexed Question of Global Rules: An Independent Report on Cyber- Preparedness around the World, ed. Security & Defence Agenda (SDA) and McAfee Inc. (Brussels: Security & Defence Agenda (SDA). 'Cyber-Boom or Cyber-Bubble? Internet Security Has Become a Bigger Export Earner Than Arms,' The Economist, Aug 1 2015.
- Ianoş Ioan, S. I. (2014). Perennial values and cultural landscapes resilience," *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 122 , 225 – 229.
- Iglesias, V. (2004). Preconceptions about Service: How Much Do they Influence Quality

- Evaluations? *Journal of Service Research*, 7(1), 90-103. doi:10.1177/1094670504266139
- Kim, H. (2011). Cultural Diplomacy as the Means of Soft Power in an Information Age. In Konglai Zhu and Henry Zhang, eds. 2011. *Soft Power Innovation and Development in Today's China*. Riverwood: Aussino Academic Publishing House.
- Li, H., Xia, L., and Yuankui, J. (2011). Analysis on the Approaches to the Construction of China's Soft Power. In Konglai Zhu and Henry Zhang, eds. 2011. *Soft Power Innovation and Development in Today's China*. Riverwood: Aussino Academic Publishing House.
- Price, M. (2012). Iran and the Soft War. Licensed under the Creative Commons Attribution Non-commercial No Derivative (by-nc-nd). *International Journal of Communication* 6, 2397-2415.
- Raykov, T. (1998). Coefficient Alpha and Composite Reliability with Interrelated Nonhomogeneous Items. *Applied Psychological Measurement*, 22(4), 375-385. doi:10.1177/014662169802200407
- Saleh, L. (2012). *Soft Power, NGOs, and the US War on Terror. Theses and Dissertations. Paper 66. University of Wisconsin-Milwaukee. At The University of Wisconsin-Milwaukee. Under the Supervision of Professor Steven B. Redd.*
- Sui, M., Xiaosha, G., and Yanheng, S. (2011). The Discussion on Improving Corporate Cultural Soft Power. In Konglai Zhu and Henry Zhang, eds. 2011. *Soft Power Innovation and Development in Today's China*. Riverwood: Aussino Academic Publishing House.
- Wang, S. Y. (2013). Globalization of Chinese film and television industry, protection and dissemination of national culture. *Journal of HUBEI Correspondence University*, 26(2): 169-170.
- Ye, X. (2010). Cultural Invasion and Cultural Protection: should Chinese Celebrate Christmas? *Asian Social Science*, 6(1), 157-160.
- Yoruk, Z., & Vatikiotis, P. (2013). Soft Power or Illusion of Hegemony: The Case of the Turkish Soap Opera "Colonialism". *International Journal of Communication*, 7, 2361-2385.
- Zeeshan, M. (2015). Cultural invasion: a Qualitative study on catalytic effects of mass media on youth. *Pakistan Association of Anthropology, Islamabad, Pakistan Special issue ISSN 10135 316, codeen sinent 8*